

## چه چشم اندازی برای تغییر در ایران؟ بخش دوم و پایانی

در پانل دوم کنفرانس روز چهارشنبه سی ژوئن 2010 در مرکز پارلمان اروپا در بروکسل با موضوع کلی "چه چشم اندازی برای تغییر در ایران؟"، شخصیت های همچون "خانم شادی صدر"، آقای "پیام اخوان" و خانم "آزاده کیان" به عنوان سخنران شرکت کردند. ریاست این بخش از کنفرانس به عهده خانم "آنا گومز"، نماینده پارلمان اروپا از پرتغال که عضو حزب دمکرات سوسیالیست اروپائی هستند، سپرده شد. موضوع سخنرانی بخش دوم پانل "درگیر شدن جامعه مدنی ایران و نقش اتحادیه اروپا" اختصاص یافت.

- خانم "آنا گومز" پس ارائه توضیحاتی کوتاه در خصوص اوضاع سیاسی و وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران و حساسیت گروه سوسیالیست ها که ایشان نمایندگی آن را داشتند، پرداخت و متذکر شد که کشور ایران برای اتحادیه اروپا از اهمیت زیادی برخوردار است و ما به اشکال گوناگون تلاش داریم که با ایجاد گفت‌وگو با جامعه مدنی ایرانی در داخل و خارج از کشور مسائل و مشکلات بوجود آمده را بهتر درک و تحلیل کنیم. ایشان بعد از صحبت های کوتاه خود میکروفون را در اختیار خانم شادی صدر وکیل ایرانی و فعال حقوق بشر، قرار دادند.

من در این گزارش سعی می کنم بصورت خلاصه فزازهایی از سخنرانی خانم شادی صدر را بیاورم.

- خانم صدر در متنی که به انگلیسی آماده کرده بود متذکر شدند: در ایران در اعتراض به انتخابات تقلبی بیش از دو میلیون نفر در تهران در تظاهرات مسالمت آمیز شرکت کردند. این حرکت در تاریخ ایران بی نظیر بود. اما این تظاهرات را بشدت سرکوب کردند. 12 ژوئن سالگرد این جنبش است که چنانکه می دانید به جنبش سبز معروف است. وضعیت حقوق بشر بسیار وخیم است و حقوق مردم نقض شده است. آزادی بیان، دستگیری های خودسرانه، محاکمات از نمونه های آن است. از نظر خانم صدر با تاکید بر حقوق بشر است که می شود حکومت ایران را به عقب نشینی واداشت. نقض حقوق بشر بشکل خشونت آمیزی در جامعه روز بروز گسترش یافته است.



خانم صدر در بخشی دیگر از صحبت های خود به اروپائی ها، تاکید کردند که شما فکر می کنید که اگر حکومت ایران بیاید و مسائل مربوط به پرونده هسته ای را بپذیرد همه مشکلات ما حل خواهند شد؟ آیا این یک استراتژی برای رسیدن به هدف است؟ آیا این موارد باعث می شود که در عرصه های دیگر نیز موفقیت حاصل شود؟ شما بخوبی توجه دارید که دولت ایران شهروندانش را سرکوب می کند اما جامعه بین المللی بجای توجه و واکنش نسبت به جنایت صورت گرفته فقط به موضوع پرونده هسته ای می پردازد و تنها به اتخاذ یک موضع سیاسی در خصوص نقض حقوق بشر در ایران اکتفا می کند. تا هنگامی که موضوع حقوق بشر به امر اصلی ما تبدیل نشود حکومت همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

ایشان دو موضوع را متذکر شدند: یک- در رابطه با کسانی که در نقض حقوق بشر در ایران نقش دارند نباید در خارج از ایران احساس امنیت کنند و با خیال آسوده برای مسافرت و گردش به خارج بیایند. دو- در رابطه با تحریم ها تاکید کردند که کیفیت زندگی با تحریم اقتصادی کاهش پیدا می کند.

سخنران دوم آقای "پیام اخوان" استاد حقوق بین الملل در دانشگاه کانادا و دادستان محاکمات جنایات جنگی، بودند. در اینجا تلاش می کنم خلاصه ای کوتاه از صحبت های ایشان را که در کنفرانس بیان کردند بیاورم.

آقای اخوان متذکر شدند: الان جوانانی در ترکیه آواره هستند که تنها بدلیل بستن مچ بند سبز به زندان ها افتادند. این طیف از جوانان بشدت آسیب دیده اند. حقوق بشر و مسائلی که در اتاق های شکنجه روی داده است فقط برای طرح آن در این جلسه انجام نشده است بلکه در اصل این بوده است که وحشت را میان مردم نشان دهند. در جمع نخبگان ما معمولاً حقوق بشر را موضوع اصلی تلقی نمی کنند. ما همواره باید در باره مسائل فوری صحبت کنیم.

ایران در مسیر گذر به دموکراسی است و نادیده گرفتن خواسته ها درست نیست. در خصوص کسانی که می گویند به واقعیت های الان باید توجه کرد در اصل آنها واقعیت های بزرگ جامعه ما را نمی بینند. ما در ایران با هویت های مختلفی مواجه هستیم وقتی که با هم گفتگو می کنیم باید بگوییم که از کجا شروع می کنیم و به کجا می رسیم. من حقوقدان در عرصه حقوق بشر هستم وقتی رهبران بر علیه حقوق بشر اقدام می کنند دیگر جز رهبران محسوب نمی شوند بلکه جز جنایتکاران قرار می گیرند.

بقای این رژیم کوتاه مدت خواهد بود زیرا مشروعیت خود را در میان مردم از دست داده است. در واقع مشروعیت الهی و مشروعیت قانونی بشدت تضعیف شده است. وقتی رژیم از یک جوان 18 ساله احساس خطر می کند و او را می گیرد و زندان می اندازد و شکنجه می کند نشان ضعف رژیم است. در واقع این خشونت بکار گرفته شده نشان دهنده میزان آسیب پذیری این رژیم است. واقعیت این است که این جنبش سرکوب شده اما هنوز حضور دارد و مثل آتش زیر خاکستر است. ما وقتی از جنبش سبز صحبت می کنیم تنها جنبش مربوط به انتخابات 12 ژوئن نیست بلکه جنبش های اجتماعی دیگری چون زنان، دانشجویی، جوانان، قومیت ها و... نیز وجود دارند و زنده هستند. ما بخوبی میدانیم که رژیم پاسخگوی خواسته های جوانان نیست. ایران نیاز به تغییرات گسترده دارد و موسوی، کروبی و خاتمی باید به آن توجه کنند. جنبش هایی که در 150 سال گذشته تا امروز در ایران روی داده است همانند جنبش های اجتماعی در اروپا می باشند.



در سی سال گذشته اتحادیه اروپا شریک تجاری ایران بوده است. تاکید یکجانبه و ویژه بر پرونده هسته ای ایران یک اشتباه می باشد. اگر رژیم به غرب امتیازاتی در خصوص مسائل هسته ای می داد غرب به حمایت از آن رو می آورد. چرا جامعه بین المللی در مورد نقض حقوق بشر در ایران چنین قطعنامه هایی را صادر نمی کند؟

- در این بخش از برنامه نوبت به سخنران سوم خانم "آزاده کیان" رسید. خانم کیان محقق و استاد جامعه شناسی سیاسی در دانشگاه پاریس هستند. ایشان در صحبت های خود گفتند: صحبت های ایشان با بحث های سخنرانان دیگر بسیار متفاوت است و ایشان از زاویه دیگر می خواهند بحث خود را مطرح کنند. خانم کیان در ادامه صحبت های خود متذکر شدند به عنوان جامعه شناسی که 15 سال کار میدانی در ایران کرده است می خواهد به جنبش سبز و فعالین آن مواردی را تاکید کند که آنها زیاد از فضای مجازی استفاده می کنند. این جنبش روی اینترنت زیاد تاکید می کند. در ایران چندین نسل از فعالین جنبش زنان در عرصه های مختلف فعالیت کرده اند و دارای تجربه های بسیاری در عمل هستند. ندا آقا سلطان به عنوان یک زن به نماد جنبش سبز تبدیل شده است. شرکت زنان در این جنبش نشان می دهد که حضور زنان و قوانین نهادینه شده تناقض خود را نشان می دهند.

در زندگی اجتماعی زنان در ایران، تغییراتی ایجاد شده است. امروز بیش از 70 درصد جمعیت ایران در شهرها زندگی می کنند. رشد جمعیت از 3/5 درصد به 1/5 رسیده است. 70 درصد زنان روستایی و 80 درصد زنان شهری باسواد هستند. سن ازدواج دختران که بعد از انقلاب 9 سال شد از سال 2000 به 13

سال تغییر کرد. اما در واقعیت زندگی سن ازدواج در زنان شهری 23 سال و زنان روستایی 18 سال می باشد. این موارد نشانگر این است که یک تضاد واقعی میان واقعیت زندگی و قوانین ایران وجود دارد. در تحقیقاتم در ایران 32 هزار زن شرکت داشته اند. و به نظرم تحول زندگی زنان متناقض است. به نظرم زنان به تحولات ایران خیلی کمک رسانده اند و جامعه مدنی ایران بسیار پویا شده است. در جامعه مدنی ایران بحث های جانداري صورت می گیرد. از سال های گذشته تا امروز تعداد سازمان های غیر دولتی از 50 به 750 رسیده است. واقعیت این است که زنان در سراسر ایران خواهان تغییر هستند بویژه نسل جوان که خیلی آموزش دیده می باشد. جامعه مدنی ایران مخالف خشونت و فعالین زن خواهان حقوق شهروندی هستند و یک نظم سالم را برای کشورشان می خواهند. انتخابات سال گذشته ائتلافی میان زنان سکولار و مذهبی برای تغییر در قانون اساسی ایران بوده است. شما اطلاع دارید از سال 2005 احمدی نژاد بسیاری اقدامات بر علیه فعالین حقوق زنان در ایران ایجاد کرد.

خانم کیان در ادامه صحبت های خود متذکر شدند: لازم به گفتن است که جنبش سبز فقط مختص به فارس زبانان نیست و خیلی هم وسیع است. جنبش سبز این رژیم را تکان داده است. در واقع این جنبش دانشجویی بوده است که از سال 1999 رژیم را بسیار تکان داد. چهار نسل در این جنبش شرکت دارند. همه گروه ها حضور دارند و طبقه متوسط ایران بزرگترین طبقه در خاور میانه است. آنها در این جنبش شرکت کردند. این طبقه هم خودش به چندین قسمت تقسیم می شود. آنهایی که می گویند روستاها یا روستائیان از احمدی نژاد حمایت می کنند می توان با تاکید گفت که این ادعا بیشتر شبیه به افسانه است. مردم در روستاها دسترسی به برق و رادیو و تلویزیون دارند و موافق احمدی نژاد هم نیستند. در تهران کردها و آذری ها در جنبش حضور دارند. از نظر جنسیتی نقش زنان بسیار مهم است. در واقع اعتراض زنان به تبعیض جنسیتی و دیکتاتوری است.

جنبش سبز به چالش کشیدن قدرت است. در حال حاضر رهبری سیاسی مشترک وجود ندارد. ارتباط ها در این جنبش خیلی مهم است. عنصر فضا و زمان در آن تغییر کرده است. جنبش سبز از اینترنت خیلی استفاده کرده است. کاربران اینترنت از 250 هزار نفر به 30 میلیون نفر رسیده است. من سال گذشته در روستایی در شمال بودم و در آنجا یک اقلیت بلوچ زندگی می کند. برای دختران این روستا رفتن به مدرسه امری عادی تلقی می شود اما آنها می گفتند که بدون اینترنت به آنها سخت خواهد گذشت. این مسائل در روستاها مطرح است.

خانم کیان متذکر شدند که سیستم های سنتی برای بسیج مردم هنوز اعتبار دارند و بسیار مهم می باشند و از اینکه جنبش سبز به آن زیاد توجه نشان نمی دهد انتقاد داشتند. ایشان در ادامه صحبت خود گفتند که جنبش زنان هم می خواهند در جنبش سبز شرکت کنند و هم استقلال خود را حفظ کنند. در ایران یک اکثریتی از جامعه بدنبال تغییرات دمکراتیک است. بعضی در چارچوب همین رژیم و بعضی بیرون از آن این تغییرات را می خواهند. موسوی از طریق این جنبش است که تغییر کرده است. پس تنها ما نیستیم که تغییر می کنیم بلکه آنها هم تغییر می کنند. چرا نباید به موسوی چنین فرصتی را قائل شد؟

در ادامه کنفرانس فرصتی به حاضرین در کنفرانس داده شد که سوالات خود با سخنرانان، مطرح کنند. زمانی کوتاهی هم به دلیل کمبود وقت برای پاسخگویی به مدعوین داده شد و در آخر خانم "آنا گومز" و آقای "کریستیان ویگنین"، اولی به عنوان رئیس جلسه و دومی بعنوان سازماندهنده و نماینده پارلمان نتیجه گیری خود را از کنفرانس به اطلاع حاضرین رساندند.



آقای کریستیان ویگنر در صحبت های خود گفتند: من علاقه زیادی به موضوع ایران دارم. در ضمن گروه دمکرات های سوسیالیست هیچگاه جز گروهی نبوده اند که بدنیاال راه حل های ساده باشند. فکر می کنم در حین مذاکرات و گفتگوهاست که بهترین رویکرد یافته می شود. ما در پارلمان اروپا نمایندگان مختلفی داریم که بعضی از آنها بسیار مواضع افراطی دارند و بدنیاال ساده کردن قضیه هستند. بعضی هم بدنیاال صادر کردن قطعنامه برای تحریم هستند و این واقعیتی است که میان ما نمایندگان پارلمان وجود دارد.

البته من در جایگاهی نیستم که بیایم و استراتژی تعیین کنم. اما این نتیجه را می دانم که دمکراسی نمی تواند به هیچ کشوری از طریق بمباران تحمیل شود. برای همیشه راه حل نظامی باید کنار گذاشته شود. هر گونه اقدامی که در تجربه عراق بدست آمده است نشان می دهد که غیر ممکن است دمکراسی را از طریق بمباران انتقال داد. ما شاید بتوانیم یک مشکلی را حل کنیم و مشکل دیگر را نتوانیم. اگر در ایران ما سیستم دمکراتیکی داشته باشیم شاید بتوانیم موضوع پرونده هسته ای را برایش راه حل پیدا کنیم.

در ایران با یک جامعه متنوع مواجه هستیم و 30 میلیون نفر دسترسی به اینترنت دارند. این مسائل بسیار حائز اهمیت هستند و روشن بگویم این نیرو را نمی شود از جهان جدا کرد.

ما تصویر دو ایران را داریم. ایرانی که در آن جنبشی نیرومند وجود دارد و مردم آن آگاه و باسواد هستند. و ایرانی دیگر که احمدی نژاد رئیس جمهور آن است که خیلی شایسته این کشور نیست که چنین فردی را بعنوان رئیس جمهور در راس دولت خود داشته باشند. البته ما خوشحال خواهیم شد که ایران یک دولت متفاوت و دمکراتیک داشته باشد. روشن است که این موجب ایجاد تغییرات در منطقه خواهد شد. حتی شاید چنین دولتی بتواند مشکل خاور میانه و مسئله فلسطین و اسرائیل را نیز حل کند. حمایت ما از تحولات دمکراتیک در ایران می تواند کمک کند تا مشکلات منطقه حل شود. از نظر من این مواردی که متذکر شدم مهمترین مسائلی بودند که در کنفرانس امروز مطرح شدند. ما از این برنامه گزارش تصویری گرفته ایم و آنرا در اختیار کمیسیون امور خارجه پارلمان قرار خواهیم داد. و امیدواریم که در آینده همچنان بحث ما با نمایندگانی از جامعه مدنی ایران ادامه یابد تا بلکه از این طریق شناخت ما از یکدیگر افزایش یابد. و از همه آقایان و خانم هایی که در سازماندهی برنامه شرکت داشتند و در بحث های کنفرانس فعال بودند تشکر می کنم.

**گزارش دهنده علی صمد**

**30 ژوئن 2010 بروکسل**

**[alisamadpouri@gmail.com](mailto:alisamadpouri@gmail.com)**

**بخش اول را می توانید در آدرس های زیر بخوانید:**

<http://news.gooya.com/politics/archives/2010/07/106977.php>

<http://www.kar-online.com/wp/?p=13578>

<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=30656>

<http://www.asre-nou.net/php/view.php?objnr=10503>

<http://irangreenrevolution.wordpress.com/>